

بررسی الگوهای سازماندهی نظام بانکی بدون ربا و پیشنهاد استفاده از روش‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر

روح اله ابو جعفری*

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۲۱

چکیده

یکی از اصول مبنایی اقتصاد اسلامی حرمت ربا در تعاملات اقتصادی است. بررسی راهکارهای بانکداری اسلامی و حذف ربا از نظام بانکی در جوامع اسلامی همیشه سؤال اساسی اقتصاددانان اسلامی بوده است. بررسی تحقیقات در این زمینه نشان داده است که راهکارها بیشتر بر ماهیت فعالیت‌های بانکی و اسلامی کردن قراردادهای بر اساس عقود اسلامی بوده است. اما یکی از مسائل مهم در این زمینه پیشنهاد ساختارهای جدیدی است که اهداف قانونگذاران در این زمینه را فراهم کند. در این مقاله ابتدا به بررسی ویژگی‌های بانکداری بدون ربا در ایران در سال‌های اجرای قانون پرداخته شده است. در قسمت بعد الگوهای پیشنهادی در زمینه سازماندهی فعالیت‌های بانکی مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت پیشنهاد استفاده از ساز و کار سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر برای سازماندهی مجدد بخشی از فعالیت‌های تخصیصی در نظام بانکداری بدون ربا مطرح شده است.

واژگان کلیدی

بانکداری بدون ربا، سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر، نظام مالی، بانک توسعه‌ای

مقدمه

عملکرد بهینه هر نظام اقتصادی، مستلزم وجود دو بخش حقیقی^۱ و مالی^۲ کارا و قدرتمند و تحت نظارت است. این دو بخش همانند دو چرخ یک دوچرخه می‌بایست همگام و همسو با یکدیگر باشند تا حاصل عملکرد آنها رشد و توسعه اقتصادی را به ارمغان آورد. فعالیت پویا و مبتنی بر برنامه این دو بخش در کنار یکدیگر شرط لازم و کافی برای حرکت مطلوب اقتصادی به شمار می‌رود. تعادل باثبات و بلندمدت هر نظام اقتصادی هنگامی بدست می‌آید که این دو بخش با ارتباطات درونی خود در شرایط تعادلی نسبت به یکدیگر عمل کنند.

هدف نظام مالی را می‌توان تخصیص بهینه منابع مالی در راستای کمک به رشد اقتصادی و در نهایت افزایش رفاه عمومی دانست. این نظام انجام وظایف متعددی را بر عهده دارد:

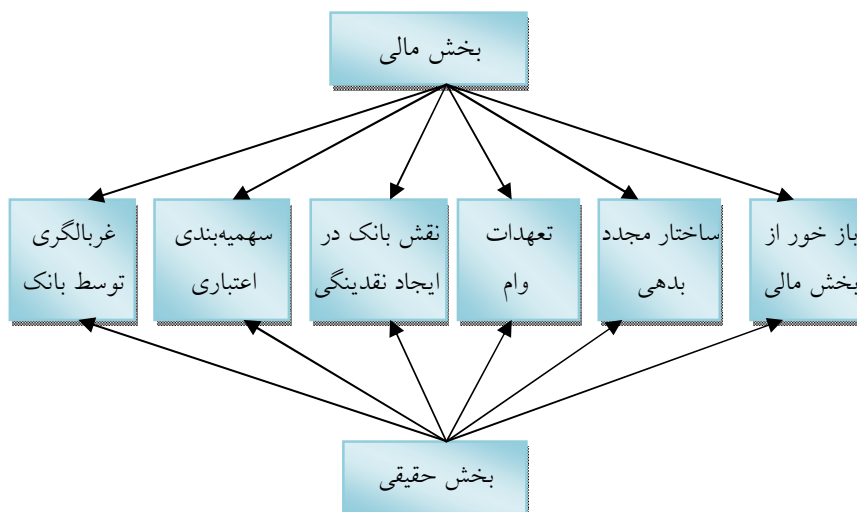
- ✓ جذب و توزیع پس اندازها (تجهیز و تخصیص منابع)
- ✓ توزیع ریسک و مدیریت آن
- ✓ تعیین قیمت وجوه و سرمایه
- ✓ انتشار اطلاعات و تحلیل آن
- ✓ تسهیل داد و ستدها (ایجاد نقد شوندگی) (شیوا، ۱۳۷۸، ص ۸۸).

نظام مالی از مسیرهای مختلفی بر بخش حقیقی اقتصاد تاثیر می‌گذارد. تاکور در مقاله خود در قالب شکل مسیرهای تاثیرگذاری بخش مالی بر بخش حقیقی اقتصاد را نشان می‌دهد.

میزان پیشرفت نظام مالی به درجه رشد و توسعه اقتصادی بستگی دارد؛ از اینرو کشورها بر حسب درجه توسعه یافتگی دارای نظام‌های مالی گوناگون هستند. در بیشتر کشورهای در حال توسعه کارکرد بهینه بخش مالی به شکل بایسته مورد توجه قرار نگرفته است و این بخش تنها به کانالی برای انتقال سرمایه به بخش‌هایی که به تشخیص برنامه‌ریزان (مدیران دولتی) از اولویت برخوردار است تبدیل شده‌اند. در این کشورها عدم توجه به میزان کارایی بخش مالی و بهبود آن برای بسیج منابع مالی، تضعیف نظام مالی را از جنبه‌های متعددی در پی داشته است. به عنوان نمونه تخصیص

منابع مالی را نابهیینه ساخته و اعطای اعتبار با نرخ‌های یارانه‌ای بازده مطلوب بر فرایند تولید نداشته است. از اینرو و در راستای بهبود بازارهای مالی بانک جهانی در گزارش سالانه خود که تحت عنوان «نظام‌های مالی و رشد اقتصادی» در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹ میلادی) انتشار داد، ایجاد یک بخش مالی کارآمد و تابع بازار آزاد را عامل ضروری برای رشد مستمر اقتصادی اعلام داشت (Gelb, 1989).

شکل ۱. مسیرهای تاثیرگذاری بخش حقیقی بر بخش مالی



مأخذ: (Thakor, 1996, p.924)

از طرف دیگر آموزه‌های صریح اسلام در زمینه حرمت ربا در تعاملات اقتصادی سؤال دیگری علاوه بر طراحی نظام مالی مناسب برای جوامع اسلامی را به وجود آورد. اقتصاددانان اسلامی علاوه بر لزوم طراحی مناسب نظام مالی برای اقتصاد اسلامی باید این ملاحظه را در کنار حذف ربا از نظام اقتصادی به خصوص در بخش مالی مدنظر قرار دهند. طراحی نهاد مناسب برای بانکداری اسلامی در کنار طراحی عقود مبتنی بر

موازن اسلامی از جمله بحث‌های مهمی است که در ادبیات اقتصاد اسلامی در حوزه بانکداری بدون ربا کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۱. ویژگی‌های نظام بانکی در ایران

نظام بانکداری بدون ربا در ایران پس از ۲۷ سال عملکرد هم‌اکنون به ساختار و ماهیت مشخصی رسیده است که بر اساس بررسی محققان اقتصادی و تأثیر در بخش واقعی اهداف اولیه قانون عملیات بانکی بدون ربا را عملی نکرده است. البته نسبت به گذشته با حضور بانک‌های خصوصی و سیاست‌گذاری پولی در کشور وضعیت کارایی بانک‌ها نسبت به گذشته بهتر شده است. حسن‌زاده در مطالعه کارایی نظام بانکی شاخص کارایی صنعت بانکداری را رو به بهبود می‌داند. «به طور کلی بررسی شاخص کارایی بانک‌ها نشان می‌دهد که این شاخص در صنعت بانکداری افزایش یافته است و این مساله بیانگر عملکرد نسبی اصلاحات بخش پولی است. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بانک‌های خصوصی نسبت به بانک‌های دولتی از درجه کارایی فنی بیشتری برخوردارند. نسبت بازدهی به مقیاس تولید در بانک‌های تجاری کاهشی بوده است که این امر بیانگر مقیاس بزرگ و غیر اقتصادی این بنگاه‌ها است. افزون بر این مقایسه شاخص کارایی فنی بانک‌های ایرانی در مقایسه با بانک‌های خارجی بیانگر این است که در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۰ شاخص کارایی بانک‌های داخلی بیشتر، اما در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۲ کاهش یافته است» (حسن‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۹۶).

البته میزان اسلامی بودن بانک‌ها نیز بسیار مهم است که باید شاخص آن طراحی شود و در مورد آن مطالعات گسترده‌ای صورت گیرد. انور معتقد است که هنوز در ساختار نظام بانکداری اسلامی شبهه‌هایی در مورد اسلامی بودن آن هست که باید به طور جدی به آن پرداخت (Anwar, 2000, p.62).

در این بخش به برخی ویژگی‌های نظام بانکی در بخش تخصیص اشاره می‌کنیم:

۱-۱. شرایط انحصاری بانک‌ها

به دلیل عدم گسترش بازارهای مالی غیر بانکی در ایران، بانک‌ها بزرگترین و مهمترین بخش بازار پول و سرمایه ایران هستند. نظام بانکی بیش از ۹۵ درصد کل نقدینگی جامعه را به صورت سپرده جذب نموده است. هر چند بانک‌های تجاری و تخصصی متفاوتی این حجم را دریافت کرده‌اند؛ اما به جهت نحوه سازماندهی بیانگر این نکته مهم است که نظام بانکی دولتی یک انحصارگر کامل در نظام مالی ایران چه در حوزه پول و چه در حوزه سرمایه است. جدول ۱ مبالغ و نرخ رشد نقدینگی و مانده کل سپرده‌های سیستم بانکی و سهم سپرده‌های سیستم بانکی از کل نقدینگی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مبالغ و نرخ رشد نقدینگی و مانده کل سپرده‌های بخش غیر دولتی به

سیستم بانکی

سال	کل سپرده‌های سیستم بانکی	نقدینگی	نرخ رشد سپرده‌های سیستم بانکی	نرخ رشد نقدینگی	سهم سپرده‌های سیستم بانکی از نقدینگی
۱۳۷۶	۱۱۸۹۰۶/۱	۱۳۴۲۸۶	۱۵/۷	۱۵/۲۱	۸۸/۵۵
۱۳۷۷	۱۴۱۴۶۲۸/۴	۱۶۰۴۰۲	۱۹/۱۱	۱۹/۴۵	۸۸/۳۰
۱۳۷۸	۱۷۰۵۶۹/۹	۱۹۲۶۸۹/۲	۲۰/۴۳	۲۰/۱۳	۸۸/۵۲
۱۳۷۹	۲۲۳۹۵۲/۴	۲۴۹۱۱۰/۷	۳۱/۳	۲۹/۲۸	۸۹/۸۶
۱۳۸۰	۲۹۱۷۶۸/۶	۳۲۰۹۷۵/۳	۳۰/۳۸	۲۸/۸۴	۹۰/۹۱
۱۳۸۱	۳۸۲۷۴۳/۹	۴۱۷۵۲۴	۳۱/۱۸	۳۰/۰۹	۹۱/۶۷
۱۳۸۲	۴۸۷۸۶۳/۹	۵۲۶۵۹۶/۴	۲۷/۴۶	۲۶/۱۲	۹۲/۶۴
۱۳۸۳	۶۴۱۰۹۵/۲	۶۸۵۸۶۷/۲	۳۱/۴	۳۰/۲	۹۳/۴۷
۱۳۸۴	۸۷۰۳۴۳/۸	۹۲۱۰۱۹/۴	۳۵/۷۵	۳۴/۳	۹۴/۴۹
۱۳۸۵	۱۲۲۲۷۴۷/۸	۱۲۸۴۱۹۹/۴	۴۰/۴۹	۳۹/۴	۹۵/۲۱
۱۳۸۶	۱۵۶۰۳۸۳/۸	۱۶۴۰۲۹۳/۰	۲۷/۶۱	۲۷/۷	۹۵/۱۲

۲-۱. فشار دولت بر بانکها

ملی شدن بانکها - تصور ملی شدن با دولتی شدن تفاوتی ندارد - منجر به تبدیل بانکها به ابزار سیاستی دولت شد. به دلیل محدودیت‌های دولت در تامین مالی از اقتصاد داخلی (عدم کارایی نظام مالیاتی) تصدی دولت بر بانکها روزبه روز افزایش می‌یابد. دولت و مجلس هر ساله به موجب تبصره‌های بودجه‌ای حجم بالایی از سپرده‌های بانک را در اختیار گرفته است. در این زمینه حجم بالایی از مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول به بانکها تحمیل می‌شود. جدول ۲ اجزای بدهی بخش دولت به بانکها را طی دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ نشان می‌دهد.

جدول ۲. رشد اجزای بدهی بخش دولت به بانکها

رشد دوره ۱۳۸۲-۱۳۷۶	شرح
۳۰	تسهیلات تبصره‌ای
۱۵/۹	تسهیلات غیر تبصره‌ای
۵۱/۶	مطالبات از دولت
۱۸/۵	بدهی مشتریان (بخش دولتی) بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز
۶۲/۲	تسهیلات اعطایی به مشتریان (بخش دولتی)
۲۳/۶	بدهکاران (بخش دولتی) بابت ضمانت‌نامه‌های پرداخت شده
۶۶/۴	بدهکاران (بخش دولتی) بابت اعتبارات اسنادی پرداخت شده
۱۱۵/۵	اوراق مشارکت بخش دولتی
۴/۲۶	کل

ماخذ: (خاوری، ۱۳۸۴)

علاوه بر تسهیلات تبصره‌ای، بانکها ملزم به تامین تنخواه‌گردان دستگاه‌های مباشر در تهیه کالاهای اساسی هستند. این دستگاهها نیز حجم قابل توجهی از سپرده‌های بانکی را از بانک خارج می‌کنند و غالباً در پایان سال نیز از تسویه حساب این وجوه کوتاهی می‌نمایند (امیری و رئیس صفری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵). در مجموع به نظر می‌رسد

به دلیل کسری بودجه ساختاری، عمق محدود بازارهای مالی و تصدی گسترده دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران، بانک‌ها به ابزار مالی دولت تبدیل شده‌اند.

۳-۱. فقدان ساختار مناسب برای ورود به بخش واقعی اقتصاد

از آنجا که قانون عملیات بانکی بدون ربا عملاً در بخش واقعی وارد شده است، نیاز به ساختار مناسب این بخش دارد؛ یعنی اگر هدف واقعی، افزایش سود بانک از راه افزایش تولید باشد، همانطور که از اهداف عقود پیداست، این هدف نیازمند به تشکیلاتی است که در تهیه چنین طرح‌هایی مشارکت داشته باشد یا بتواند نسبت به ارزیابی آن اقدام کند و در هر حال بر جریان کار نظارت مستمر داشته باشد.

جدول ۳. حجم تسهیلات اعطایی نظام بانکی به تفکیک انواع عقود

سال	قرض الحسنه		عقود مبادله‌ای		عقود مشارکتی	
	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد
۱۳۷۶	۳۲۷۱/۱۳	۰/۰۵	۴۵۲۲۶/۳	۰/۶۴	۱۶۱۷۱/۱	۰/۲۳
۱۳۷۷	۵۴۳۰	۰/۰۶	۶۱۳۶۳	۰/۶۶	۱۷۵۱۵	۰/۱۹
۱۳۷۸	۶۱۰۰	۰/۰۵	۴۹۹۵۴	۰/۳۷	۲۵۷۴۵	۰/۱۹
۱۳۷۹	۷۵۰۷/۵	۰/۰۴	۶۷۱۷۸/۴	۰/۳۸	۳۲۲۹۷/۱	۰/۱۸
۱۳۸۰	۱۰۴۶۳/۸	۰/۰۴	۹۷۷۱۸/۲	۰/۴۱	۳۷۳۵۸	۰/۱۶
۱۳۸۱	۲۳۰۰۱/۶	۰/۰۷	۱۳۵۴۹۶/۹	۰/۴۲	۴۲۹۶۰/۸	۰/۱۳
۱۳۸۲	۲۵۷۹۴/۹	۰/۰۶	۱۹۵۹۲۶/۹	۰/۴۴	۶۴۳۴۵/۲	۰/۱۵
۱۳۸۳	۲۸۸۰۲/۷	۰/۰۵	۲۸۱۸۵۷/۱	۰/۴۶	۹۴۷۸۳/۴	۰/۱۶
۱۳۸۴	۳۶۵۸۰/۹	۰/۰۴	۳۵۷۲۸۹/۸	۰/۴۳	۱۴۰۵۱۷/۹	۰/۱۷
۱۳۸۵	۴۰۰۸۲/۵	۰/۰۳	۴۶۳۴۱۰/۷	۰/۳۹	۲۳۷۸۲۴/۸	۰/۲۰
۱۳۸۶	۵۰۱۹۴/۵	۰/۰۳	۴۶۱۰۶۱/۴	۰/۴۰	۳۵۴۴۹۱/۸	۰/۲۲
۱۳۸۷	۶۳۶۹۰/۵	۰/۰۴	۹۷۸۹۶۵/۹	۰/۵۴	۴۵۶۶۸۴/۴	۰/۲۵
۱۳۸۸	۹۱۶۹۷/۹	۰/۰۴	۸۶۲۹۷	۰/۴۲	۶۲۶۲۰۵/۴	۰/۳۱

ادامه جدول ۳. حجم تسهیلات اعطایی نظام بانکی به تفکیک انواع عقود

سال	سرمایه‌گذاری مستقیم		سایر		کل	
	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد
۱۳۷۶	۱۸۰۹	۰/۰۳	۴۵۹۲	۰/۰۶	۷۱۰۶۹,۵	۱
۱۳۷۷	۱۶۴۵	۰/۰۲	۶۸۳۴	۰/۰۷	۹۲۷۸۷	۱
۱۳۷۸	۲۰۰۹	۰/۰۱	۵۰۲۴۰	۰/۳۷	۱۳۴۰۴۸	۱
۱۳۷۹	۲۱۰۳/۷	۰/۰۱	۶۷۸۲۰/۷	۰/۳۸	۱۷۶۹۰۷/۹	۱
۱۳۸۰	۲۲۲۸/۵	۰/۰۱	۸۶۵۰۱/۷	۰/۳۸	۲۳۷۴۵۰/۲	۱
۱۳۸۱	۲۵۹۴/۱	۰/۰۱	۱۱۶۷۴۲/۷	۰/۳۶	۳۲۰۷۹۶/۲	۱
۱۳۸۲	۳۷۸۴/۷	۰/۰۱	۱۵۲۵۴۵/۷	۰/۳۴	۴۴۲۳۹۷/۵	۱
۱۳۸۳	۵۸۶۰/۱	۰/۰۱	۱۹۷۱۰۳/۶	۰/۳۲	۶۰۸۴۰۷/۵	۱
۱۳۸۴	۸۰۴۱/۶	۰/۰۱	۲۹۰۴۰۱/۵	۰/۳۵	۸۳۲۸۳۱/۷	۱
۱۳۸۵	۱۱۴۸۳	۰/۰۱	۴۲۶۹۲۱/۴	۰/۳۶	۱۱۷۹۷۲۲/۷	۱
۱۳۸۶	۱۴۱۸۱	۰/۰۱	۵۵۵۷۹۵/۹	۰/۳۴	۱۶۱۵۷۲۴/۵	۱
۱۳۸۷	۱۳۱۲۲/۷	۰/۰۱	۳۰۰۷۸۷/۱	۰/۱۷	۱۸۱۳۲۵۰/۲	۱
۱۳۸۸	۱۳۲۳۰/۵	۰/۰۱	۴۵۰۱۰۸/۵	۰/۲۲	۲۰۴۴۲۱۴/۲	۱

مأخذ: آمار سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ارقام به میلیارد ریال

در حالی که چنین ساختاری در قانون پیش‌بینی نشده است و اصولاً وظیفه تعریف شده یک بانک موفق که بر اساس ضرورت‌های نظام پولی فعلی دنیا شکل گرفته است، خارج از امر مذکور است. اگر بخواهیم وظیفه مهم سرمایه‌گذاری را نیز به مجموعه وظایف قبلی واگذار کنیم، این تشکیلات ظرفیت آن را ندارد (میرجلیلی، ۱۳۸۳، صص ۹۲-۶۵).

به بیان دیگر برای اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا به ساختار دیگری نیاز است که بتواند در بازار حقیقی اقتصاد، فعال باشد، زیرا در این نظام، بانک از پدیده‌های

به طور کاملاً برونزا در مقایسه با اقتصاد حقیقی به نهادی درونزا و فعال تبدیل می‌شود؛ در نتیجه به سازمان و نیروی انسانی و حسابداری متناسب با آن نیاز دارد، در حالی که پس از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا کمترین تغییر ساختاری در نظام بانکی پدید نیامده است (موسویان، ۱۳۸۲، ص ۸۴).

۴-۱. نسبت بالای عقود غیرمشارکتی

با توجه به اینکه نظام بانکی امکانات ساختاری مناسب برای اجرای بانکداری اسلامی به معنای مشارکت در سود و زیان را ندارد به همین دلیل شاهد سهم بالای عقود غیرمشارکتی یا مبادله‌ای هستیم. سهم این عقود در سال ۱۳۷۷ به بیش از ۶۰ درصد تسهیلات بانکی رسید. این امر در کنار سهم ۶ درصدی قرض‌الحسنه و ۱۹ درصدی مشارکت حاکی از تمایل نظام بانکی به عقد قراردادهای ساده از نظر محاسبات بانکداری متعارف شده است. البته در سالهای اخیر شاهد رشد عقود مشارکتی هستیم که این امر ناشی از کاهش نرخ سود عقود مبادله‌ای و آزاد گذاشتن نرخ برای عقود مشارکتی بود که باعث شد بانکها به عقود مشارکتی متمایل شوند.

۲. ضرورت سازماندهی مجدد نظام بانکی

بررسی وضعیت موجود نظام بانکی در ایران و شناخت موانع عدم کارکرد بهینه آن نیاز به تحقیق جامعی در این زمینه دارد که در حوصله این تحقیق نیست. در این بخش با توجه به اینکه علاوه بر تدوین عقود مبتنی بر نگاه اسلامی باید ساز و کار و سازماندهی جدیدی نیز برای محقق شدن اهداف بانکداری مبتنی بر موازین اسلامی صورت گیرد، الگوهای پیشنهادی برای سازماندهی مجدد بانکها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تشکیلات کنونی بانکها تداوم نظام بانکی قبل است و پس از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، تغییری در سازماندهی بانکها ایجاد نشده است. همانگونه که در بخش قبل اشاره شد، تغییراتی که قبل از تصویب قانون در سازماندهی بانکی ایجاد شده محدود به ملی شدن و ادغام بوده است. در حالی که روح نظام بانکی بدون بهره با نظام بانکی مبتنی بر بهره تفاوت دارد. در بانکداری متعارف، چه در تجهیز

منابع و چه در اعطای تسهیلات، از رابطه حقوقی قرض استفاده می‌شود. بانک‌های تجاری و تخصصی با افتتاح انواع سپرده‌های جاری، پس‌انداز و مدت‌دار، وجوه مازاد بر نیاز اشخاص حقیقی و حقوقی را جذب می‌کنند و متعهد می‌شوند مطابق مقررات حساب‌های مذکور، اصل و فرع آن‌ها را به صاحبان سپرده برگردانند؛ سپس بانک‌ها، با رعایت ذخایر قانونی و احتیاطی، منابع حاصل از سپرده‌ها را به صورت وام و اعتبار، در اختیار بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها قرار می‌دهند و در سررسید یا سررسیدهای معین، اصل و فرع (بهره) آن‌ها را باز پس می‌گیرند. مطابق قوانین بانکی کشورهایی که نظام بانکداری متعارف در آن‌ها حاکم است، سپرده‌گذار با تحویل وجوه به بانک، مالکیت خود را از آن‌ها قطع کرده، آن‌ها را به مالکیت بانک در می‌آورد و رابطه او با بانک، رابطه بستانکار و بدهکار است و در مقابل، بانک بازپرداخت مبلغ سپرده را مطابق مقررات متعهد می‌شود (موسویان، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵).

اما بر خلاف عملیات متداول در بانکداری ربوی در زمینه تخصیص منابع اساس فعالیت‌ها چارچوب قراردادهای اسلامی است. به طور کلی تسهیلات اعطایی یا ابزارهای معرفی شده به منظور تخصیص منابع در قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌توان در چهار گروه تقسیم بندی نمود:

الف) تخصیص منابع از طریق وام‌دهی: منحصرأ در مورد قرض‌الحسنه اعطایی مصداق داشته و از لحاظ حقوقی مبتنی بر رابطه دائن - مدیون است.

ب) تخصیص منابع از طریق مشارکت: تسهیلات اعطایی ذیل این گروه شامل عقود مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم، مزارعه و مساقات در چارچوب مشارکت در سود و زیان^۳ انجام پذیرفته و از لحاظ حقوقی، مبتنی بر شراکت و آثار مترتب بر آن است.

ج) تخصیص منابع از طریق مبادلات: تسهیلات اعطایی این گروه شامل عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف و خرید دین، ماهیتاً جنبه تجاری داشته و با افزودن سود متعارف^۴ به قیمت تمام شده کالا، قیمت فروش نهایی کالای مورد معامله مشخص می‌گردد. معاملات موضوع این گروه از لحاظ حقوقی مبتنی بر رابطه خریدار - فروشنده است.

د) تخصیص منابع از طریق تعهدات: این گروه، تسهیلاتی را در بر می‌گیرد که پرداخت آن منوط به انجام کار یا ایفای تعهدات مشخص است و از لحاظ حقوقی در مورد عقد جعاله (و همچنین گشایش اعتبارات اسنادی) مبتنی بر رابطه جاعل و عامل و آثار مترتب بر آن و در مورد صدور ضمانتنامه‌های بانکی، مشمول ضوابط مربوط به عقد ضمان (و بعضاً تعهد به نفع شخص ثالث) در قوانین مدنی و تجارت است. عدم تغییر سازماندهی نظام بانکی متناسب با قانون عملیات بانکی بدون ربا موجب بروز ناسازگاری میان قانون و عملکرد نظام بانکی شده است. سهم اندک سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها، بازگشت به سود تضمین شده، ناسازگاری واسطه‌گری با عاملیت، دور شدن از ماهیت عقود از پیامدهای ناشی از عدم سازماندهی مجدد بانک‌ها پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا است (میرجلیلی، ۱۳۸۳، صص ۹۲-۶۵). از طرف دیگر نزدیک شدن به ماهیت اسلامی برای بانک‌ها و تاثیر آن در امور زندگی آحاد بازیگران اقتصادی در کشور بسیار با اهمیت است. به نظر می‌رسد در کشور اسلامی مردم بیش از همیشه انتظار داشته باشند تا چرخش امور اقتصادی به خصوص در حوزه پول و بانک هر چه بیشتر بر اساس مبنای اسلامی صورت پذیرد.

۲-۱. الگوهای پیشنهادی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی (منطبق با نظام مالی بدون بهره)

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در این زمینه تا کنون چهار الگو پیشنهاد شده است. الگوی انور، الگوی دار و پرسلی، الگوی موسویان و الگوی میرجلیلی. با توجه به اینکه در این زمینه کار تحقیقی اندکی صورت گرفته مدل‌های مطرح شده در این مقاله در حد پیشنهادهای کلی است و به صورت جزئی وارد چگونگی اجرای آن‌ها نشده‌اند. در این قسمت به معرفی هر کدام از این الگوها می‌پردازیم.

۲-۱-۱. الگوی انور

الگوی پیشنهادی دکتر محمد انور^۵، استفاده از نظام بانکی دو گانه (اجتماعی - خصوصی) است. در طرح بانکداری دوگانه عملیات خلق پول و استفاده از حق نشر

تنها به بانک‌های اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند. بانک‌های اجتماعی تمامی سپرده‌های دیداری را می‌پذیرند و همچنین وام بدون بهره را گسترش می‌دهند تا در نتیجه این اقدام پروژه‌های رفاهی هر منطقه کشور تامین مالی شود. بنابراین سازماندهی بانک‌های اجتماعی برای وساطت در نقدینگی، نه تنها حق نشر حاصل شده را به جامعه منتقل می‌کند، بلکه همچنین در راستای دستیابی به سایر اهداف اقتصادی-اجتماعی در اقتصاد سهیم خواهد بود.

در این طرح پس‌اندازها و سپرده‌های مدت‌دار تنها توسط بانک‌های خصوصی تجهیز می‌شود. بانک‌های خصوصی باید بر اساس ساز و کار سهم‌بری در سود و زیان ساماندهی شود. پس‌اندازها و سپرده‌های مدت‌دار به منظور کسب سود تجهیز می‌شوند. سودی که به این قبیل سپرده‌ها و سپرده‌های مدت‌دار و پس‌اندازها تعلق می‌گیرد، در نتیجه قبول ریسک در فعالیت‌های کسب و کار است. در این حالت بانک‌های خصوصی وام قرض‌الحسنه نمی‌پردازند و دارای وضعیت قانونی همانند شرکتهای خصوصی هستند (Anwar, 1978). در این الگو، تنها معیار خلق پول را برای اصلاح ساختار سازمانی بانک‌های اسلامی در نظر گرفته و برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها که عاملیت بانک را می‌طلبد تدبیری در نظر نگرفته است.

۲-۱-۲. الگوی دار و پرسلی

دار و پرسلی روح حاکم بر بانکداری بدون بهره را در حذف بهره و جایگزینی روش مشارکت در سود و زیان می‌دانند. اما از نظر آن‌ها عملیات بانکداری بدون بهره در جهان از این شیوه دور مانده است. بر اساس گزارش موسسه بین‌المللی بانک‌های اسلامی^۶ روش مشارکت در سود و زیان کمتر از ۲۰ درصد سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی را به خود اختصاص داده است. نیاز به حقوق مالکیت خوب تعریف شده، نامتقارن بودن اطلاعات، ماهیت تامین مالی بلندمدت و غیره را می‌توان از دلایل این امر دانست.

برای حل این مسئله، مشکل مدیریت و نظارت در بانک‌های اسلامی باید حل شود. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند، بانک‌های اسلامی به عنوان شرکت‌های خصوصی با

مسئولیت محدود^۷ یا به عنوان سازمان‌های تعاونی^۸ فعالیت کنند. در این صورت صاحبان آن‌ها نیز افراد کارآفرین و نهادهای بزرگ خواهند بود. در حقیقت سازمانی مبتنی بر سرمایه ریسک‌پذیر را پیشنهاد می‌کنند که در آن گروهی از بانک‌های اسلامی اقدام به ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر می‌نمایند، شرکت‌ها از این طریق تامین مالی شده و پس از چهار یا پنج سال از این شرکت‌ها خارج شده و در قالب بدهی، قرض خود را می‌پردازند (Dar and Presley, 2001). در این الگو اهمیت فراوانی به روش مشارکت در سود و زیان داده شده است و بقیه ابعاد نظام بانکی به خصوص بعد واسطه‌گری آن مغفول مانده است.

۲-۱-۳. الگوی موسویان

موسویان به ماهیت‌های متفاوت عقود در بانکداری اسلامی اشاره می‌کند و معتقد است که در یک قالب جای نمی‌گیرند. جمع کردن این معاملات متنوع با احکام و ضوابط گوناگون در قالب یک سازمان به نام بانک موجب پیچیده و مبهم شدن عملیات، صوری شدن قراردادهای، بالارفتن هزینه‌های نظارت و کنترل و در نهایت غیر کارا شدن نظام بانکی می‌شود. برای حل ریشه‌ای این مشکل، با توجه به احکام و مسئولیت‌های نظام بانکی و با توجه به اهداف، انگیزه‌ها و روحیات مشترک بانک (سپرده‌گذاری و متقاضیان تسهیلات) و با توجه به احکام فقهی معاملات و طبقه‌بندی خاص آن‌ها، وی چهار نوع بانک بدون ربا پیشنهاد کرده است که با تغییر مختصری در قانون بانکداری بدون ربا فعلی قابل اجرا می‌باشد.

۱. بانک‌های قرض‌الحسنه: در بخش تجهیز منابع دو نوع حساب سپرده (جاری و پس‌انداز) قرض‌الحسنه دارند و در بخش تخصیص منابع وام بدون بهره می‌دهند.
۲. بانک‌های مبادله‌ای (با سود ثابت): تجهیز منابع از طریق سپرده جاری (قرض بدون بهره)، سپرده پس‌انداز (وکالت، سود ثابت)، سپرده سرمایه‌گذاری (وکالت، سود ثابت) و تخصیص منابع از طریق فروش اقساطی، فروش سلف، فروش دین، اجاره به شرط تملیک و جعاله است.

۳. بانک‌های مشارکتی (با سود متغیر): تجهیز منابع از طریق سپرده جاری (قرض بدون بهره)، سپرده پس‌انداز مشارکتی (وکالت، با سود متغیر)، سپرده سرمایه‌گذاری مشارکتی (وکالت با سود متغیر) و تخصیص منابع از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی، سلف، مضاربه و اجاره به شرط تملیک است.

۴. بانک‌های جامع: شامل کلیه عملیات بانک‌های قرض‌الحسنه، مبادله‌ای و مشارکتی در بخش تجهیز و تخصیص منابع خواهند بود و برای بانک‌های بسیار بزرگ دولتی تناسب دارد (موسویان، ۱۳۸۲، ص ۸۰).

در این الگو راه حل اصلی برای معالجه کارکرد صوری بانک‌ها و دور شدن از عملیات بانکی مبتنی بر بهره است. در این زمینه منشا مشکل در نحوه کاربرد عقود مشارکتی - غیرمشارکتی دانسته شده است و با جدا کردن بانک‌ها بر حسب عقود، سعی در حل مشکل دارد. اما همچنان به بانک‌ها به عنوان سازمان مناسب برای عقود مشارکتی پایبند است و از این جهت نمی‌تواند مشکلات ناشی از ناکارآمدی و دور شدن از ماهیت بانکداری بدون ربا را حل کند.

۲-۱-۴. الگوی میر جلیلی

در این الگو به شخصیت‌های حقوقی بانکداری بدون ربا اشاره می‌کند. بر این اساس بانکداری دو شخصیت حقوقی است. واسطه‌گری مالی در قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری و انجام خدمات بانکی طبق عقود اسلامی ضمانت، حواله، وکالت و قرض یکی از شخصیت‌های بانک است که در ازای آن کارمزد دریافت می‌کند. شخصیت دوم بانک را وارد عرصه بخش واقعی اقتصاد می‌کند و عملکرد شرکتی و عاملیت بانک را می‌طلبد و به همین جهت با ماهیت واسطه‌گری بانک ناسازگار است. بنابراین این دو شخصیت دو سازماندهی متفاوت را اقتضا می‌کند.

بر این اساس عملیات بانکی به دو قسمت بخش پولی و بخش سرمایه‌ای تبدیل می‌شود. بخش پولی جهت پاسخگویی به نیازهای نقدینگی فعالیت می‌کند و بخش سرمایه‌ای عملیات تامین درازمدت منابع مالی را انجام می‌دهد. تامین مالی بر اساس حجم و مبلغ آن به سه دسته سرمایه‌گذاری در مبالغ کوچک، متوسط و مبالغ بالا انجام

می‌شود. بر این اساس حق‌النشر و خلق پول توسط بانک‌های تجاری انجام می‌شود و هر گونه فعالیتی که مستلزم ریسک‌پذیری و سرمایه‌گذاری شود به موسسات مختلف واگذار می‌شود. این موسسات اعم از شرکت‌های سرمایه‌گذاری، موسسات تامین مالی و غیره طیف وسیعی از خدمات مالی را در اختیار پروژه‌های خویش می‌گذارند. این نظام پیشنهادی بالاترین بوسیله چند شورای عالی نظارت می‌شود. شورای پول و اعتبار (برای نظام بانکی) و شورای اوراق بهادار (برای بخش سرمایه‌ای). بانک مرکزی در این نظام ناظر و سیاستگذار در تمامی بخش مالی اقتصاد است (میرجلیلی، ۱۳۸۳، صص ۹۲-۶۵).

در حقیقت الگویی برای سازماندهی کل نظام مالی کشور پیشنهاد شده است. در این میان بخش پولی از سرمایه‌ای به علت ماهیت فعالیت‌های تخصصی‌شان جدا در نظر گرفته شده است ولی مکانیزمی برای ارتباط این دو در نظر گرفته نشده است. وظیفه نهادهای مالی در این الگو تعریف شده است ولی مکانیزم همکاری بین آن‌ها در راستای تحقق اهداف بخش واقعی ذکر نشده است.

۲-۲. بانکداری توسعه‌ای در برابر بانکداری تجاری

قانون بانکداری بدون ربا در ایران در ابتدا با هدف حذف ربا از فعالیتهای بانکی در فضای ابتدای انقلاب به تصویب رسید. تفاوت مفهومی بین انواع متفاوت بانک‌ها در بازآرایی نظام بانکی باید در نظر قرار گیرد. در این قسمت به تفاوت‌های بانک‌های مختلف به طور مختصر اشاره می‌کنیم و بانک توسعه‌ای را به عنوان بانکی که پتانسیل به کار گرفتن مکانیزم سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر دارد، توضیح خواهیم داد.

در نظام مالی بانک محور که بانک‌ها متولی بخش عظیمی از نظام تامین مالی هستند به طیف‌های مختلفی از این نهاد احتیاج دارد. بانک‌های مختلف عبارتند از:

۱. بانک تجاری: بانکی است که معمولاً در بازار پول فعال است و به تجهیز و تخصیص منابع کوتاه‌مدت (معمولاً یکساله) می‌پردازد و هدف آن به حداکثر رسانیدن سود است.

۲. بانک تخصصی: بانکی است که معمولاً در بازار سرمایه فعالیت می‌کند و به تجهیز و تخصیص منابع میان‌مدت و بلندمدت در زمینه‌های خاص اقتصادی مشغول است و هدف آن به حداکثر رسانیدن سود است.

۳. بانک توسعه‌ای: بانکی است که در بازار سرمایه فعالیت دارد و معمولاً به تجهیز و تخصیص منابع بلندمدت در زمینه‌های خاص اقتصادی می‌پردازد و اهداف آن همسو با اهداف برنامه‌های توسعه یا سیاست‌های ملی کشور است.

۴. بانک سرمایه‌گذاری: بانکی است که عمدتاً در زمینه معاملات و انتشار اوراق بهادار فعالیت دارد و با اعطای وام‌های بلندمدت به شرکت‌ها و موسسات می‌کوشد بر بخش عمده‌ای از سهام آن‌ها دست یابد و مدیریت آن‌ها را در اختیار گیرد. هدف این بانک حداکثر سود است.

بانکداری توسعه‌ای برای جبران کاستی‌های بازار در تامین مالی بلندمدت و مهارت‌های کارآفرینی لازم در فرایند توسعه اقتصادی اروپای قاره‌ای (اروپای بدون انگلستان) در قرن نوزدهم شروع به رشد کرد. این بانک‌ها با کمک به کارآفرینان در ایجاد شرکت‌های سهامی و فروش سهام آن‌ها کمک می‌کردند. در اوایل قرن بیستم به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم بانک‌ها در راستای اهداف توسعه‌ای ایجاد شدند. از مهمترین آن‌ها می‌توان به بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه^۹ (بعدها بانک جهانی)^{۱۰} اشاره کرد. دو بانک اصلی توسعه صنعتی در ایران - بانک اعتبارات صنعتی و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران - نیز با حمایت‌های فراوان بانک جهانی تأسیس گردیدند. در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ تحولات اقتصادی عمده‌ای در سطح بین‌المللی پدید آمد که اهم آن‌ها عبارت بودند از:

۱. حرکت به سوی تجارت جهانی،
۲. گرایش به سوی اقتصادهای باز،
۳. افزایش رقابت در بازارهای مالی.

بانک‌های توسعه‌ای برخی از کشورها، در اثر ادامه از روش‌ها و سیاست‌های پیشین و اتکای بیش از حد بر حمایت‌های دولتی و نفوذ و دخالت‌های گسترده در آن‌ها، یا ورشکسته شدند، یا در بانک‌های دیگر ادغام گردیدند یا به فعالیت‌های زیانبار

خود ادامه دادند. در این میان، برخی از بانک‌های توسعه‌ای توانستند، ماموریت‌ها و راهبردهای خود را اصلاح کنند و با شرایط جدید تطبیق یابند.

در واقع در ربع آخر قرن بیستم، دو نکته اساسی در مورد بانکداری توسعه‌ای آشکار گردید:

۱. فعالیت بانکداری توسعه‌ای در اقتصادهای در حال توسعه فراتر از تامین مالی صرف طرح‌هاست.

۲. تجهیز منابع مالی با اتکای خود از طریق بازار و بر کنار از یارانه‌ها برای بقای بانک توسعه‌ای حیاتی است.

اگر چه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ به علت توجه شدید به اقتصاد بازار آزاد، با کاهش توجه به اهمیت نقش بانکداری توسعه‌ای در فضای عمومی بین‌المللی مواجه هستیم، اما وقوع بحران مالی ۱۹۹۷-۱۹۹۹ آسیای شرقی، موجب ظهور نگرش جدید به اهمیت بانکداری توسعه‌ای شد.

پس از پایان بحران، طرح‌های سرمایه‌گذاری که با نگرش تجاری تامین مالی شده بودند، دچار معضلات پیچیده‌ای شدند. در حالی که طرح‌هایی که با نگرش تخصصی بانکداری توسعه‌ای تامین مالی شده بودند، به مراتب مشکلات کمتری داشتند.

این بحران دو پیام عمده برای بانکداری توسعه‌ای در بر داشت:

۱. اهمیت اعمال کارشناسی‌های حرفه‌ای و دوری از نگرش تجاری در وام دهی بلندمدت.

۲. توجه مجدد به نقش بانکداری توسعه‌ای ولی با ماموریت‌های جدید.

با توجه به ماموریت‌های جدید شاهد حضور سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در بانک‌های توسعه‌ای جهان هستیم (ایرانمنش، ۱۳۸۳).

طبق اطلاعات ادفیپ امروزه بیش از ۵۵۰ بانک توسعه‌ای در حدود ۱۸۵ کشور جهان وجود دارد که تقریباً ۱۸ درصد آن‌ها بانک‌های توسعه‌ای بین‌المللی و منطقه‌ای و باقی در سطح ملی‌اند. میانگین تعداد بانک‌های توسعه‌ای در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، به ترتیب کمتر از ۳ و بیشتر از ۳ است. قاره آمریکا با داشتن حدود ۱۵۰

بانک توسعه‌ای در صدر و اروپا با حدود ۵۰ بانک توسعه‌ای در ذیل این فهرست قرار دارند (ADFIAP, 2002).

آنچه اکثر نظریه‌پردازان بانکداری توسعه‌ای تقریباً بر آن اتفاق نظر دارند و تجارب موفق برخی کشورها نیز بر آن صحنه می‌گذارد بدین قرار است. بانک توسعه‌ای همان وظایف بانک تجاری، یعنی تجهیز و تخصیص منابع را انجام می‌دهد، ولی راهبردهایش متفاوت است.

هدف اصلی بانک توسعه‌ای، تسهیل و تسریع توسعه اقتصادی از طریق دو راهبرد است:

۱. راهبرد معطوف به نگاه

۲. راهبرد معطوف به نهاد بازار

در راهبرد اول بانک توسعه‌ای منابع مالی بلند مدت را با شرایط به نسبت مناسب از داخل و خارج از کشور تجهیز می‌کند و آن‌ها را با شرایط نسبتاً مناسب همراه با مشاوره‌های تخصصی به کارآفرینان بخش خصوصی تخصیص می‌دهد.

در راهبرد دوم که معمولاً همکام با راهبرد اول است، بانک توسعه‌ای با انجام اقداماتی مانند حمایت از ایجاد:

- نهادها و موسسات مالی مانند بازار سرمایه، شرکت‌های بیمه، حسابرسی، ضمانت سرمایه‌گذاری

- نهادها و موسسات مشاوره‌ای تخصصی مانند: شرکت‌های مهندسان مشاور، تحقیقات بازاریابی، خدمات مدیریتی و مالی،

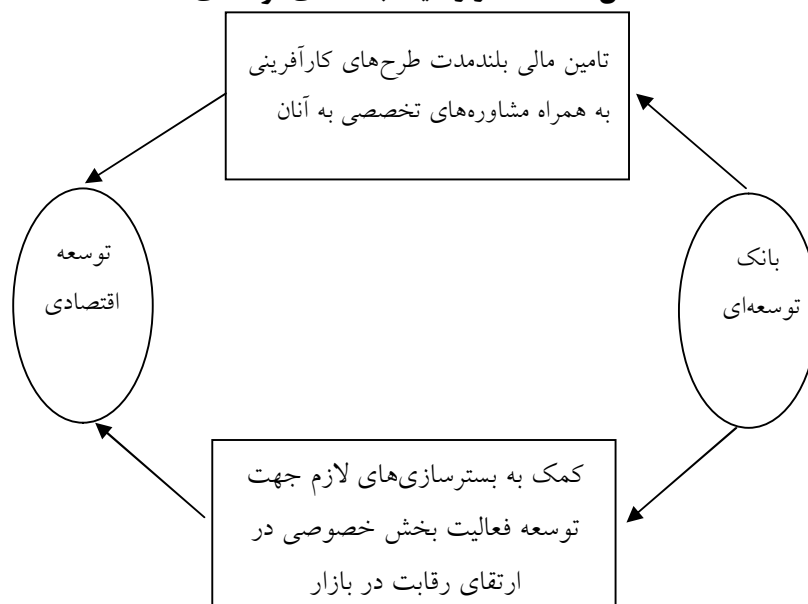
- نهادها و موسسات آموزشی و پژوهشی و اطلاع‌رسانی

می‌کوشد ویژگی‌های کارآفرینی و فعالیت بخش خصوصی را تقویت کند و هزینه‌های معاملاتی را کاهش دهد.

بانک توسعه‌ای به سبب ارتباطات گسترده با بنگاههای اقتصادی (در سطح خرد اقتصادی)، تجربه و اطلاعات ارزنده‌ای از فعالیت و مشکلات آن‌ها را به دست می‌آورد، از اینرو در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان، وضع قوانین کار و تجارت و مالیات (سطح کلان اقتصادی) مشارکت مجدانه می‌جوید و از این طریق به تنظیم روابط

اقتصادی و کاهش هزینه‌های معاملاتی و در مجموع به ارتقای فضای رقابتی در بازار مدد می‌رساند.

شکل ۲. اهداف و وظایف بانک‌های توسعه‌ای



با توجه به رسالت بانک‌های توسعه‌ای، دولت‌ها معمولاً جایگاه درخوری برای آن‌ها در راهبردهای توسعه اقتصادی خود طراحی می‌کنند.

نظام بانکی در ایران با توجه به موازین اسلامی در حقیقت وظیفه توسعه‌ای را بر عهده بانک‌های تجاری گذاشته است بدون اینکه الزامات این تغییر مأموریت را برای آن فراهم آورد. هم‌اکنون بسیاری از بانک‌های توسعه‌ای قسمت سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر را نیز برای خود در نظر گرفته‌اند که بیشتر به توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط با فناوری‌های بالا اشاره می‌کند.

به عنوان مثال بانک توسعه کسب و کار کانادا^{۱۱} در کنار مشاوره‌های مالی و خدمات کسب و کار یک بخش مجزا در سال ۱۹۷۵ در زمینه سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر تاسیس کرده است که سرمایه‌ای در حدود ۵۰۰ میلیون دلار را در بیش از

۴۰۰ شرکت سرمایه‌گذاری کرده است. موضوع فعالیت‌های این سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در چهار حوزه بیوتکنولوژی، مخابرات، فناوری اطلاعات و فناوری‌های پیشرفته اعلام شده است.^{۱۲} مطالعه بانک‌های توسعه‌ای دیگر همچون بانک توسعه ژاپن، بانک توسعه مالزی و یا بانک توسعه آسیا نشان می‌دهد که در چند ساله اخیر این بانک‌ها اقدام به تاسیس بخش سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر نموده‌اند که نشان از گسترش روزافزون سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در صنعت بانکداری می‌باشد.

۳. سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در نظام بانکی ایران

نظام بانکی در ایران به دلیل عدم سازماندهی مجدد، وظایف توسعه‌ای خویش به خصوص در بخش تخصیص را به خوبی انجام نداده است. به همین دلیل بیش از نیمی از منابع بانکی از طریق تسهیلاتی که کمتر ماهیت مشارکتی دارند و به سود ثابت نزدیکتر می‌باشند تخصیص داده شده است. نظام بانکی ایران بر اساس قانون بانکداری بدون ربا و وظیفه ایفای نقش در بخش حقیقی ایران را بر عهده دارد و از طرف دیگر طی سال‌های بعد از انقلاب با توجه به دولتی شدن بانک‌ها به ابزاری برای سیاست‌های دولت تبدیل شده است که لزوماً با کارکرد بهینه بانک‌ها همخوانی ندارد.

دولت در قالب بودجه سالانه و مواد مختلف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران منابع مختلفی را به امر توسعه‌ای اختصاص می‌دهد. بسیاری از این منابع دوباره از مجراهای بانکی به متقاضیان تخصیص داده می‌شود که در این مسیر با مشکلات عدیده‌ای که اشاره شد مواجه هستند. فرهنگ سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر سبب می‌شود که بانک‌ها بتوانند هر چه بهتر در این امر به کارآفرینان و شرکت‌های نوپا کمک کنند.

۳-۱. مزایای استفاده از سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر

سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر باعث تغییر رویکرد در بانک‌ها به خصوص در تامین مالی طرح‌های کارآفرینی خواهد شد و به تخصیص بهتر منابع منجر می‌شود.

۱. استفاده بهتر از منابع دولتی: در صورتی که برای تحقق اهداف دولت از این مسیر به تخصیص اعتبارات اقدام شود باعث می‌شود تا کارآفرینان هم تعامل بهتری با بانک داشته باشند و از طرف دیگر دولت نیز منابع خود را به شکل کاراتری به متقاضیان ارائه خواهد کرد.

۲. ماموریت‌های توسعه‌ای برای بانک‌ها: تا کنون بانک‌ها به هیچ وجه خود را در این امر شریک نمی‌دانستند. در صورتی که بانک‌های توسعه‌ای در دنیا هر ساله بر این اساس ماموریت‌های جدیدی برای خود تعریف می‌کنند. برای مثال بانک توسعه‌ای مالزی، توجه خود در سال ۱۹۹۹ را بر کارآفرینی متمرکز نموده است. بانک توسعه‌ای کره در همین سال، توسعه فناوری‌های پیشرفته را مد نظر قرار داده است؛ بانک توسعه‌ای ژاپن در سال مشابه، دو اولویت صادراتی بودن طرح‌ها و همچنین برخورداری از واحدهای تحقیق و توسعه را در تخصیص منابع، منظور داشت و بانک توسعه‌ای در آلمان در ماموریت خود در آلمان در سال ۱۹۹۴، ارتقای فعالیت‌های تحقیق و توسعه را در پیش گرفت. بنابراین با استفاده از این نگاه می‌توان بخشی از منابع بانکی را به اهداف توسعه‌ای اختصاص داد.

۳. تغییر در بخشی از نظام حکمرانی^{۱۳} بانک‌ها: سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر به نظام حکمرانی خاصی احتیاج دارد که با وظیفه مالی و تخصصی این نهاد با هم درآمیخته و بهترین پروژه‌ها از این میان انتخاب می‌شوند. استفاده از این الگو سبب می‌شود که قسمتی از منابع که از این طریق اختصاص پیدا می‌کند در قالب سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر به استقرار نظام حکمرانی مناسب در بانک‌ها منجر شود.

۴. ترکیب نظام مالی رابطه‌مدار و قانون‌مدار: نظام مالی رابطه‌مدار واسطه‌گری و کنترل‌های مناسبی بر شرکت‌ها اعمال می‌کند. بنگاه‌های نوظهور که هنوز شهری در بازارهای مالی ندارند ممکن است از کشمکش‌های واسطه‌گری حاصل از عدم تقارن اطلاعات بین قرض‌گیرندگان و وام‌دهندگان تأثیر بیشتری بپذیرند. بالاخص مسائل مربوط به انتخاب بد می‌توان منجر به سهمیه‌بندی اعتباری به مفهوم استیگلیتز و وایس شود (Stiglitz and Weiss, 1981). این شرکت‌ها با مسائل جدی در نظام مالی رابطه‌مدار روبرو می‌شوند ترکیب بین این دو نظام کمک می‌کند تا از مزایای هر دو نظام بهره‌مند

شویم (Shumei Wang, 2009, pp.119-122). شرکت‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر محدودیت‌های مالی رودرروی این بنگاه‌ها را کاهش می‌دهند. این شرکت‌ها به دلیل اینکه سهامدار شرکت‌های نوپا می‌شوند از طریق تزریق زمانبندی سرمایه به کنترل این شرکت‌ها می‌پردازند که مورد استفاده نظام رابطه‌مدار است و از طرف دیگر پس از مدتی از این سرمایه‌گذاری خارج می‌شوند که از طریق فروش سهام در بازار و یا روش‌های دیگری اجرا می‌شود. ریسک‌های بالای این شرکت‌ها به همراه نظام قانون‌مدار خوب تعریف شده و با تسهیل استفاده از مکانیزم‌های خروج قابل مدیریت می‌باشد (نادری، ۱۳۸۲).

۵. هماهنگی با تأمین مالی اسلامی: سرمایه‌گذار ریسک‌پذیر با توجه به اینکه وارد مشارکت با صاحبان ایده برای تجاری‌سازی نوآوری آن‌ها می‌شود هماهنگی زیادی با ماهیت تأمین مالی اسلامی دارد. محققان مالی اسلامی نیز در این حوزه تحقیقاتی انجام داده‌اند به گونه‌ای که حتی از سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر اسلامی سخن به میان می‌آورند. در این زمینه حتی کاظمیان در تحقیقی با استفاده از عقود بانکداری بدون ربا الگوی سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر با محتوی اسلامی را پیشنهاد کرده است. دیگر محققان همچون طریقاله خان و بن جلالی، الرفیعی و خان نیز به هماهنگی سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و تأمین مالی اسلامی اشاره داشته‌اند (کاظمیان، ۱۳۸۳؛ Al-Rifai and Khan, 2002؛ Tariqullah Khan and Bendjilali, 2002).

با توجه به اینکه زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در کشور به طور کامل آماده نشده است، بنابراین در یک دور زمانی باید بانک‌ها را به این سمت سوق داد. بنابراین استفاده از این مکانیزم در راستای سازماندهی بخشی از منابع بانکی به دو قسمت کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم می‌شود.

۲-۳. راهکارهای استفاده نظام بانکی از سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر

بانک‌ها در ایران به سبب اینکه بیشترین حجم تجهیز منابع را به خود اختصاص می‌دهند و از طرف دیگر برای پاسخگویی به صاحبان وجوه و به علت عدم توسعه نهادهای مالی به طور مستقیم اقدام به تاسیس شرکت‌های سرمایه‌گذاری نموده‌اند. در

کوتاه‌مدت می‌توان از پتانسیل این شرکت‌ها با توجه به استقلال بیشتری که دارند در راستای توسعه سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر استفاده کرد. شکل ۳ فرایند استفاده از این روش را در کوتاه مدت نشان می‌دهد.

شرکت‌های سرمایه‌گذاری متولی تخصیص بخشی از سرمایه‌گذاری بانک‌ها هستند که هم‌اکنون بیشتر در بازار بورس اوراق بهادار فعال هستند. با توجه به اینکه در کوتاه مدت سازمان بانک امکان به کارگیری سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر را ندارد، استفاده از این شرکت‌های سرمایه‌گذاری از انعطاف بیشتری برخوردار است. منابعی را که در اختیار این شرکت‌ها قرار دارد از دو طریق می‌توان به سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر اختصاص داد. در ابتدا می‌توان واحدی در این شرکت برای سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در طرح‌های نو ایجاد کرد. این واحد وظیفه پذیرش، ارزیابی طرح‌ها و تأمین مالی آن‌ها را بر عهده دارد و مدیریت عالی شرکت بر فعالیت آن‌ها نظارت می‌کند. این شرکت‌ها وظیفه سرمایه‌گذاری پروژه‌ها در بخش واقعی با موضوع نو را بر عهده دارند. در حقیقت به صورت سرمایه‌گذاران نهادی عمل می‌کنند.

نکات راهبردی ذیل در هر دو حالت باید در نظر گرفته شود:

۱. استفاده از سرمایه‌گذاران و کارآفرینان خصوصی برای ارزیابی طرح‌ها
۲. استفاده از مشاوره‌های فنی کارشناسان در هر حوزه سرمایه‌گذاری حتی در تخصص‌های مختلف چون حسابداری و حقوق
۳. ورود به پروژه‌هایی که در مرحله معرفی به بازار و رشد هستند و پتانسیل مناسبی در آینده بازار دارند.

۴. توجه ویژه به طرح تجاری^{۱۴} شرکت‌های متقاضی سرمایه

۵. سهیم شدن مدیران شرکت از افزایش سود و بهره‌وری طرح‌ها

در بلندمدت پس از اینکه عملکرد این شرکت‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت و کاستی‌های آن در عمل مشخص گردید. بانک‌هایی با این هدف در راستای توسعه اقتصادی از مکانیزم سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر بهره‌مند گردند. این تغییر می‌تواند در یکی از بانک‌های کشور متحقق شود و از این ساختار برای استفاده در راستای این

هدف بهره‌برد. در این مسیر دولت نیز با سیاست‌گذاری‌هایی باید به ایجاد نهادهای مکمل سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر همچون صندوق ضمانت وام، نهادهای مشاوره تخصصی، مراکز ارزیابی فناوری، شرکت‌های درجه‌بندی و غیره برای بسترسازی هر چه بهتر این سرمایه‌گذاری‌ها مبادرت ورزد.

در مرحله استفاده از این روش در بانک‌ها نیز ملاحظات زیر باید در نظر گرفته شود:

۱. طراحی نظام حکمرانی شرکتی مناسب برای بانک‌ها که با ماهیت سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر هماهنگ باشد.
۲. تلاش برای پیوند بانک با بازار سرمایه و یافتن ابزارهایی برای خروج از طرح‌ها
۳. برقراری ارتباط با بخش صنعت و دانشگاه برای شناختن فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری
۴. حمایت از تقویت نهادها و موسسات آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای بخش خصوصی مرتبط با موضوع فعالیت‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر
۵. اعطای اختیارات و استقلال بیشتر به این بخش‌ها در تدوین آئین‌نامه و مقررات.
۶. الزام قانونی آنها به تنوع‌بخشی در منابع مالی و عدم اتکا به منابع دولتی و پیوند با بازار سرمایه.

جمع‌بندی

عملکرد نظام بانکی در ایران نشان از عدم انطباق وظایف بانکی بدون ربا با ساختار و سازمان بانک‌های تجاری دارد. در بخش تخصیص منابع بانک‌ها بیشتر به عقود اقبال نشان می‌دهند که مبتنی بر سود ثابت و عدم مشارکت باشد. محققان تلاش‌هایی برای سازماندهی مجدد بانک‌ها انجام داده‌اند که به طور کلی بر جدا ساختن ماهیت پولی و سرمایه‌ای بانک‌ها تأکید دارد ولی هیچ کدام راهکار عملی برای حل این مشکل ارائه نمی‌کنند. در این تحقیق سازماندهی کل نظام بانکی مدنظر نیست بلکه در بخش تخصیص در حوزه شرکت‌های نوپا با توجه به همراستایی با تأمین مالی اسلامی

مکانیزم سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر که در دنیا به خصوص در آمریکا نیز تجربه موفق می‌باشد پیشنهاد شده است.

با توجه به مزیت‌های این روش و البته عدم آمادگی زیرساخت‌های کشور در این زمینه پیشنهاد به کارگیری سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در دو مرحله انجام می‌شود. در ابتدا با استفاده از پتانسیل شرکت‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها این مکانیزم برای شرکت‌های نوپا پیاده شود و در بلندمدت با شکل‌گیری نهادهای لازم در این زمینه بانک‌های با هدف توسعه‌ای این مکانیزم را به کار بگیرند.

یادداشت‌ها

1. real sector
2. financial sector
3. profit loss sharing
4. mark up
5. Anwar
6. International Association of Islamic Banks
7. private limited copmanies
8. mutual organization
9. International Bank for Reconstruction and Development
10. World Bank
11. Business Development Bank of Canada
۱۲. مطالب این قسمت از سایت رسمی این بانک در آدرس <http://www.bdc.ca> نقل می‌شود.
13. corporate governance
14. business plan

کتابنامه

- امیری، هادی و رییس صفری، مجتبی (۱۳۸۴)، «بررسی کارایی بانک‌های تجاری در ایران و عوامل نهادی موثر بر آن»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۳.
- ایرانمنش، محمد (۱۳۸۳)، «تاسیس بانکداری توسعه سرمایه‌گذاری به منظور تخصیص بهتر منابع یارانه ای دولتی»، *مجلس و پژوهش*، سال ۱۱، ش ۴۶.
- حسن‌زاده، علی (۱۳۸۶)، «کارایی و عوامل موثر بر آن در نظام بانکی ایران»، *جستارهای اقتصادی*؛ ش ۴.

- خاوری، محمودرضا (۱۳۸۴)، «بررسی عملکرد سیستم بانکی در تسهیلات تکلیفی و بدهی دولت» تهران: اولین سمینار دستاوردهای نظام بانکی در ایران.
- شیوا، رضا (۱۳۷۸)، «نقش موسسات مالی و اعتباری غیربانکی در کارایی نظام مالی کشور»، مجموعه سخنرانی های و مقالات دهمین سمینار بانکداری اسلامی موسسه عالی بانکداری.
- کاظمیان، مهدی (۱۳۸۳)، «طراحی الگوی صندوق سرمایه گذاری ریسک پذیر با توجه به فقه اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق(ع).
- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۰)، *بانکداری اسلامی*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، چ ۲.
- همو (۱۳۸۲)، «انواع بانکهای بدون ربا»، *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*، ش ۱۱.
- میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۳)، «الگویی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی در ایران»، *فصلنامه مفید*، ش ۱۰.
- نادری، مرتضی (۱۳۸۲)، «توسعه مالی و رشد اقتصادی: رخدادهای بحران مالی و دلالت های مربوط به انتخاب نظام مالی مناسب»، مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس پولی و ارزی بانک مرکزی.
- Aamir Khan and Tariq Al-Rifai (2002), "The Role of Venture Capital in Contemporary Islamic Finance", *Islamic Finance: The Task Ahead: Proceedings of the Fourth Harvard University Forum on Islamic Finance Cambridge Massachusetts: Center for Middle Eastern Studies, Harvard University*.
- ADFIAP (2002), *Principles and Practices of Development Bank*, vol. 3.
- Anwar M. (2000), *Islamicity of Banking and Modes of Islamic Banking Economics*, Banquet Hall: International Islamic University Malaysia.
- Id. (1978), "Reorganization of Islamic Banking: A new Proposal", *The American Journal of Islamic Social Science*, vol. 4, No. 2.
- Dar HA and Presley J.R. (2001), "Lack of Profit-Loss Sharing in Islamic Banking: Management and Control Imbalances", *International Journal of Islamic Financial Services*, vol. 2, No. 2.
- Gelb, Alan H. (1989), *Financial policies, growth, and efficiency*, worldbank.
- Shumei Wang, J. M. (2009), "Comparison of Bank-Oriented or Market-Oriented Financial System and Inspiration", *Asian Social Science*.
- Stiglitz, J.E and Weiss, A. (1981), "Credit Rationing in Market with Imperfect Information.", *American Economic Review*, No. 7.
- Tariquallah Khan and Bendjilali (2002), "Modeling an Exit Strategy for Islamic Verture Capital Finance", *International Journal of Islamic Financial Services*, vol. 4, No. 2.
- Thakor, A. V. (1996), "The design of financial system: An overview", *Journal of Banking & Finance*.